



# مطالعه دگرگونی های فرهنگی و تغییرات مکان‌گزینی استقرارهای ادوار مس‌وسنگ تا عصر قاجار دشت کبودرآهنگ، استان همدان (مبتنی بر دو فصل بررسی باستان‌شناختی)

رضا نظری ارشد<sup>I</sup>

خلیل الله بیک محمدی<sup>II</sup>

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۴۸ - ۲۷  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۲۹  
شناسه دیجیتال (DOI): 10.30699/PJAS.4.14.27

## چکیده

استقرارهای جوامع انسانی، همواره در طول زمان دچار دگرگونی های فرهنگی و تغییرات مختلف در مکان‌گزینی خود بوده‌اند. از جمله دلایل این دگرش، تحول در راهبردهای معیشتی در نتیجه تغییرات اقلیمی، دگرگشت در سازمان اجتماعی در پی تغییرات تولید، فناوری و... بوده است. در این بین، مهم‌ترین عامل را باید معیشت و به‌نوعی جبر وابسته به جغرافیای زیستی (زیست‌بوم) در تأمین نیازهای اولیه، در ساختار الگوی استقرارهای انسانی قلمداد کرد؛ بنابراین چارچوب‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی، مکمل یکدیگر برای تحلیل چرایی ایجاد تغییرات یا عدم آن در الگوهای زیستی انسان‌ها در طول حیات تاریخی آن‌ها به‌شمار می‌آیند. دشت کبودرآهنگ، از دشت‌های شمالی استان همدان و از مهم‌ترین کریدورها و راه‌های ارتباطی بین فرهنگ‌های فلات مرکزی، شمال غرب و زاگرس مرکزی در طی ادوار مختلف بوده است. این دشت در تابستان ۱۳۸۶، تحت عنوان: «بررسی و شناسایی باستان‌شناختی بخش گل‌تپه و مرکزی شهرستان کبودرآهنگ»، به‌صورت فشرده (پیمایشی) با گردآوری مواد فرهنگی از سطح محوطه‌ها، طی دو فصل بررسی و مطالعه گردیده است. برآیند مطالعات میدانی، در بردارنده ۱۴۰ محوطه از ادوار مختلف مس‌وسنگ تا اسلامی متأخر است که نشان از دگرگونی و تغییرات زیست‌محیطی و فرهنگی در الگوهای استقراری از دوره مس‌وسنگ تا عصر قاجار دارد. از موضوعات اصلی که در علم باستان‌شناسی بدان پرداخته می‌شود، مسأله بررسی تغییرات مکان‌گزینی محوطه‌های باستانی و درنهایت، تلاش برای تحلیل تغییر و تحولات الگوهای استقراری و دلایل آن در طول زمان است. در این راستا و برای بررسی فرآیند دگرگشت‌های الگوهای استقراری، انگاره‌هایی مبنی بر تأثیر عواملی مانند: «فضا»، «زمان» و «مکان» در روند این تغییرات ارائه شده است. با این وصف، پرسش اصلی این پژوهش چنین طرح می‌شود که، عوامل تأثیرگذار در دگرگونی و تغییرات فرهنگی استقرارهای دشت کبودرآهنگ از دوره مس‌وسنگ تا عصر قاجار چه بوده است؟ روش اتخاذ شده در پژوهش حاضر، بهره‌برداری از راهبردهای نظریه «کنت وات»، مبتنی بر تحلیل‌های GIS با رویکرد تاریخی-تحلیلی خواهد بود. نتایج مطالعه استقرارهای دشت کبودرآهنگ از دوره مس‌وسنگ تا عصر قاجار، نشان از تغییر در راهبردهای سازشی گروه‌های انسانی حاضر در آن، براساس الگوهای معیشتی در مکان‌گزینی با تأسی از جغرافیای منطقه مورد مطالعه در نیازهای جوامع انسانی دارد.

**کلیدواژگان:** دشت کبودرآهنگ، بررسی باستان‌شناختی، الگوی استقرار، مکان‌گزینی، دگرگشت فرهنگی، جغرافیا.

I. استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.  
II. دکتری باستان‌شناسی، کارشناس حوزه ریاست و روابط عمومی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول).

## مقدمه

استقرارهای انسانی در طول زمان، همواره دچار دگرگونی و تغییرات مختلف در مکان‌گزینی بوده است. از جمله دلایل آن، دگردیسی در راهبردهای معیشتی در پی تحولات اقلیمی، تغییر در سازمان اجتماعی در پی دگردیسی‌های فرهنگی، فناوری و... بوده است. علاوه بر دلایل اقتصادی-اجتماعی، مباحث فرهنگی و به‌نوعی جبر وابسته به جغرافیای محیطی نیز می‌توانسته ساختار الگوهای استقرارهای انسانی را تحت تأثیر خود قرار دهد؛ بنابراین چارچوب‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و محیط، مکمل یکدیگر برای توضیح چرایی ایجاد تغییرات یا عدم آن در الگوهای زیستی انسان‌ها در طول حیات تاریخی آن‌ها به‌شمار می‌آیند. دشت کبودرآهنگ با گستردگی در جهت شمال غربی- جنوب شرقی و با ۵۰ کیلومتر درازا، از جمله دشت‌های شمالی استان همدان و از کزیدور و راه‌های ارتباطی مهم بین ساکنان فلات مرکزی، شمال غرب و زاگرس مرکزی بوده است. این شهرستان با برخورداری از جغرافیای متنوع شامل نواحی کوهستانی، دامنه‌های مرتفع، تالاب (شیرین‌سو) و دشت میان‌کوهی در دامنه‌های شمال شرقی کوهستان الوند، در طی زمان تحولات مختلف زیستی و اقلیمی را تجربه کرده و پشت سر گذاشته است. این دشت در تابستان ۱۳۸۶، با عنوان: «بررسی و شناسایی باستان‌شناختی بخش گل‌تپه و مرکزی شهرستان کبودرآهنگ»، به‌صورت فشرده (پیمایشی) با گردآوری مواد فرهنگی از سطح محوطه‌ها، طی دو فصل بررسی و مطالعه گردید و در نتیجه، ۱۴۰ محوطه از ادوار مختلف مس‌وسنگ تا اسلامی متأخر شناسایی شده که گونه‌های مختلف: تپه، غار، قلعه، قبرستان، نقوش صخره‌ای، حمام، پل و... را شامل می‌شود. در این پژوهش به مطالعه دگرگونی‌ها و تغییرات مکان‌گزینی استقرارها، آثار و تحولات فرهنگی یافته‌های باستان‌شناختی این حوزه فرهنگی پرداخته خواهد شد که از اهداف اصلی این گفتار نیز به‌شمار می‌آید.

**پرسش و فرضیه پژوهش:** پرسش اصلی این پژوهش چنین طرح می‌شود: عوامل تأثیرگذار در دگرگونی و تغییرات فرهنگی استقرارهای دشت کبودرآهنگ از دوره مس‌وسنگ تا عصر قاجار چه بوده است؟ با تأمل بر چگونگی توزیع و پراکنش فضایی و مکانی استقرارها می‌توان دریافت که بیشترین تأثیر در روند تحولات مربوط به استقرارهای انسانی در این منطقه را، عوامل جغرافیایی و قابلیت‌های اقلیمی و توانمندی‌های محیطی در تولیدات کشاورزی دربر داشته است.

**روش پژوهش:** این پژوهش به روش تاریخی-تحلیلی و برگرفته از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی انجام پذیرفته است. در راستای تحلیل و بررسی الگوهای استقرار و توضیح دلایل تغییر و تحولات در آن‌ها، عواملی هم‌چون، «فضا»، «زمان» و «مکان» در روند این تحولات مؤثر دانسته شده‌اند. روش سنجش اتخاذ شده در پژوهش حاضر، بهره‌برداری از راهبردهای نظریه «کنت وات» به واسطه تحلیل عوامل: زمان، مکان و فضا است که امکان ارائه تفاسیر عینی‌تر از مدارک باستان‌شناختی در تحلیل عوامل محیطی و جغرافیایی را فراهم می‌سازد. در مطالعات باستان‌شناختی، بسیاری از فرآیندهای شکل‌گیری، گسترش، تداوم و تخریب استقرارهای انسانی در بستر تحولات زیست‌بوم مورد توجه قرار می‌گیرند. «وات»، متغیرهای محیطی مؤثر بر شکل‌یابی، توسعه، استمرار و دگرگونی سکونتگاه‌ها را در پنج گروه شامل: ماده، انرژی، تنوع، زمان و فضا تقسیم و ارائه کرده است (وات، ۱۳۸۶)؛ بنابراین با استفاده از ابزارهای محاسباتی GIS، گزاره‌ها و عوامل اصلی برپایی استقرارهای انسانی در محدوده جغرافیایی دشت کبودرآهنگ از ادوار مس‌وسنگ تا عصر قاجار مورد سنجش و ارزیابی قرار خواهند گرفت. در این روش بررسی، تمام مکان‌های باستانی از نظر موقعیت مکانی و دوره‌هایی که مشمول آن‌هاست، مدنظر خواهد بود.

## پیشینه پژوهش

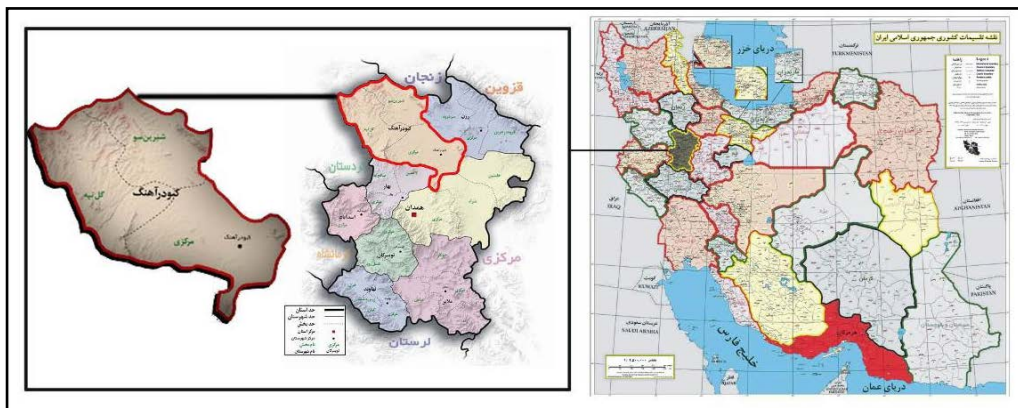
دشت کبودرآهنگ برای نخستین بار با طرح پژوهشی «بررسی و شناسایی باستان‌شناختی بخش‌های

مرکزی و گل‌تپه شهرستان کبودرآهنگ» (نظری‌ارشد، ۱۳۸۶) و سپس بخش تکمیلی آن با عنوان: «بررسی و شناسایی باستان‌شناختی بخش شیرین‌سو» (بلمکی، ۱۳۸۷) مطالعه و آثار فرهنگی آن شناسایی شده است. در پس این مطالعات، دستاورد بررسی‌های یادشده، انتشار چند مقاله در همایش‌ها و نشریات علمی بوده است. پژوهش‌هایی درخصوص «شناخت تحولات و الگوهای استقراری عصر مس‌وسنگ دشت همدان» (بلمکی، ۱۳۹۴؛ تاجبخش و بلمکی، ۱۳۹۳)، «تحلیل و نگرشی بر استقرارهای دوره مس‌وسنگ دشت کبودرآهنگ (مبتنی بر پروژه بررسی باستان‌شناختی شهرستان کبودرآهنگ)» (بیک‌محمدی و نظری‌ارشد، ۱۳۹۶) از جمله آن‌ها است که عمدتاً معطوف به استقرارهای پیش‌اتاریخ و ادوار مس‌وسنگ این ناحیه بوده است. در رابطه با پیشینه فرهنگی و تاریخی شهرستان کبودرآهنگ اسناد و منابع مکتوب چندانی وجود ندارد با این وجود در برخی مدارک نوشتاری متأخر، اشاراتی به کبودرآهنگ و تحولات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آن شده است. از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به نوشتار مربوط به شرح حال و بررسی اوضاع سیاسی دوره قاجار و زمام‌داری حاکمان محلی همدان در منطقه که توسط «عین‌السلطنه» (خاطرات قهرمان میرزا عین‌السلطنه (سالور)، ۱۳۲۴-۱۲۵۰ ه.ش.) به‌کتابت درآمده، اشاره کرد. عین‌السلطنه، برادرزاده ناصرالدین‌شاه قاجار و زاده همدان بوده و به‌عنوان مالک کوربجان (از توابع کبودرآهنگ)، سال‌ها در این ناحیه حضور داشته و با خوانین محلی ارتباطات تنگاتنگی داشته است که به اجمال، به نسب‌شناسی خوانین و حضور آن‌ها در جای‌جای همدان عهد ناصری، عهد مظفرالدین‌شاه و ذکر برخی وقایع سلطنت محمدعلی‌شاه، اخبار و حوادث و اطلاعات دوره سلطنت احمدشاه و نهایتاً تغییر سلطنت قاجار به پهلوی پرداخته و شرحی جامع از اقدامات و ارتباطات سیاسی حاکمان و خوانین محلی همدان و کبودرآهنگ (از جمله قراقرلوها) با دربار قاجار و پهلوی را ارائه داده است (برای اطلاع بیشتر ر. ک. به: سالور و افشار، ۱۳۷۴)؛ هم‌چنین در چند دهه اخیر، با محوریت کبودرآهنگ، کتب مختلفی منتشر شده است که این آثار نیز بدون در نظر داشتن بررسی‌های باستان‌شناختی و تحولات استقرارهای انسانی (ادوار تاریخی)، بیشتر با رویکرد مردم‌شناسانه و عمدتاً معطوف به تحولات سیاسی و اجتماعی دوران قاجار و پهلوی، به‌نگارش درآمده‌اند (برای اطلاع بیشتر ر. ک. به: چایانی، ۱۳۹۰؛ جعفری، ۱۳۹۴).

### جغرافیای کبودرآهنگ

شهرستان کبودرآهنگ با مساحت حدود ۷۵۰ کیلومتر مربع وسعت و با ارتفاع ۱۶۷۵ متر از سطح آب‌های آزاد در استان همدان، در ۷۲ کیلومتری شمال شرقی شهر همدان، واقع شده و از شمال به شهرستان خدابنده در استان زنجان، از شرق به شهرستان رزن، از غرب و جنوب غربی به بخش سیمینه‌رود در شهرستان همدان و از شمال غربی به شهرستان بیجار و قروه در استان کردستان، محدود می‌گردد. دشت کبودرآهنگ با گستردگی در جهت شمال غربی-جنوب شرقی، نزدیک به ۵۰ کیلومتر درازا دارد (چایانی، ۱۳۹۰: ۱۷-۱۸)، (نقشه ۱). این دشت از نظر زمین‌شناسی، جایگاه ویژه‌ای دارد. این منطقه در محور شرقی-غربی، بین ارتفاعات آوج در دشت رزن و الوند در دشت همدان قرار دارد که از نگاه زمین‌ریخت‌شناسی، تغییرات اشکال فیزیوگرافیک استان از قله بلند الوند ۳۵۸۰ متر تا نواحی دشت‌گونه و کم‌ارتفاع دشت رزن در آن مشهود است. به‌همین‌رو شبکه آب‌های سطحی استان به دو حوضه دریاچه قم و خلیج فارس تخلیه می‌شوند. از نظر اقلیمی و زیستی، استان همدان در فصل مشترک چند قلمروی متفاوت قرار گرفته، به‌طوری‌که در یک روند جنوب غرب به شمال شرق، پهنه‌های زیادی این منطقه را پوشش داده‌اند که از پهنه‌های مرتبط با دشت کبودرآهنگ می‌توان به موارد پیش‌رو اشاره کرد. دشت کبودرآهنگ از منظر آب‌وهوا، معمولاً دارای زمستانی سرد و با درجه حرارت پایین، حتی در مواردی تا بیش از ۲۵ درجه سانتی‌گراد زیر صفر و تابستانی اغلب خنک و بیلاقی است. نزولات جوئی اغلب به‌صورت برف است که به‌طور متوسط حدود ۳۰۰ میلی‌متر است. این

منطقه دارای بیلان آبی نسبتاً متعادل و منابع آبی آن نسبتاً غنی می‌باشد. حاصلخیزترین منابع خاک از نظر تشکیل و تکامل، مناسب‌ترین منابع گیاهی از نظر مرتع‌داری و پرورش دام و بالاخره مستعدترین منطقه برای تولید محصولات استراتژی، چون غلات به همین منطقه استپی مربوط می‌شود (قبادیان، ۱۳۶۹: ۱۳-۱۲). دشت کبودرآهنگ به علت وضع طبیعی خاص خود در معرض وزش بادهای مختلف است. بادهای این منطقه را می‌توان به دو دسته بادهای محلی و بادهای اقلیمی تقسیم کرد. بادهای محلی، که به لحاظ وجود دشت‌ها در مجاورت مناطق کوهستانی و از طریق درجه حرارت و اختلاف فشار بین جلگه‌ها و ارتفاعات به وجود می‌آید در همه فصول به خصوص در تابستان و پاییز می‌وزد و شدت چندانی ندارد. اما بادهای اقلیمی که وزش آن‌ها با پهنه عظیمی بخش زیادی از فلات ایران و بخش‌هایی از خاورمیانه را فرا می‌گیرد، طبعاً این ناحیه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (مهندسین مشاور گنو، ۱۳۸۱: ۲۴-۲۰). در بحث مرتبط با خاک‌شناسی، برای مطالعه بیشتر علل شکل‌گیری و تأثیر آن‌ها در اقلیم یک ناحیه جغرافیایی، رژیم‌های رطوبتی خاک نقش قابل توجهی در تشکیل و تکامل خاک و در نتیجه قابلیت کشت محصولات کشاورزی دارد. رژیم رطوبتی مربوط به ناحیه شرق و شمال شرقی استان همدان، زریک است که مخصوص مناطقی است که دارای تابستان‌های گرم و نیمه خشک و زمستان‌های مرطوب است (تقریباً اقلیم مدیترانه‌ای). ذخیره غذایی موجود در خاک‌های این ناحیه، قابل توجه است و توانایی کشت انواع محصولات زراعی را دارا می‌باشد (مبین، ۱۳۴۳: ۸۲-۱۴۱). بیشترین سهم اقلیمی منطقه، مربوط به استپ‌های کوهستانی است و این اقلیم، حدود وسیعی از استان‌های کردستان، کرمانشاه، لرستان و همدان را دربر می‌گیرد. این استپ، از نوع استپ علفی می‌باشد و از نظر توزیع املاح محلول در ستون خاکی، دارای شرایط متعادل و مناسبی است؛ اما از یک طرف، چون در محاصره شرایط نامساعد خشک و کویری قرار دارد، به همین دلیل منطقه استپی به استپ علفی مناسب تا استپ خشک تقسیم می‌گردد و از طریق حوزه خشک و نامساعد هم‌جوار به طور مداوم به تخریب تهدید می‌شود، لذا منطقه استپی، خود در مقابل بهره‌برداری‌های بی‌رویه به شدت حساس است و در عین برخوردار از قدرت بازسازی مساعد، با بالا رفتن درجه خشکی در حد استپ نیمه خشک، احتمال بروز تخریب در آن زیاد بوده و می‌تواند به سرعت ظاهر شده و حوزه وسیعی از استپ را در اندک زمان دربرگیرد (قبادیان، ۱۳۶۹: ۱۶). دشت کبودرآهنگ دارای یک تالاب با نام «شیرن سو» است که به فاصله حدود ۴۰ کیلومتری شمال غربی مرکز شهرستان کبودرآهنگ قرار دارد و با تنوع اکولوژیک بالای خود بستری مناسب جهت حضور آبزیان و پرندگان بومی و مهاجر ایجاد کرده که از منابع آبی سطحی این دشت نیز به شمار می‌آید (تصویر ۱). عمده رودخانه‌های دشت کبودرآهنگ در حال حاضر فصلی بوده و در تابستان دارای آب بسیار کم و گاهی فاقد آب است. برخی این رودخانه‌ها عبارتند از: رود تالوار، رود قره‌چای، رود شاه‌آب.



نقشه ۱. موقعیت شهرستان کبودرآهنگ در تقسیمات جغرافیایی استان همدان و ایران (نگارندگان، ۱۳۹۶).



تصویر ۱. نمایی از تالاب شیرین سو در دشت کبودرآهنگ (نظری‌ارشد، ۱۳۸۶).

### ماهیت تاریخی و وجه تسمیه کبودرآهنگ

تا اواخر دوره قاجاریه از کبودرآهنگ و چند آبادی اطراف آن به دلیل اسکان قراگزلوها با عنوان «بلوک حاجیلو» یاد شده است و نامی از «کبودرآهنگ» به چشم نمی‌خورد؛ به طوری که ناصرالدین‌شاه قاجار در سفرنامه عتبات خود، از این نواحی با نام «بلوک حاجیلو» یاد کرده است. «حمدالله مستوفی» در قرن هفتم هجری قمری، همدان را دارای ۵ ناحیه، مشتمل بر ۲۱۲ آبادی می‌داند که ناحیه دوم آن به نام «ازماوین»، دارای ۴۱ آبادی و روستا بود که از آن جمله به آبادی‌های: روداقاباد، تبعاباد، کردآباد، مارمهان و مامسین (فامنین) اشاره و در منابع دیگر نیز تنها به تعدادی از آبادی‌های اطراف کبودرآهنگ مانند: داق داق‌آباد، روعان و کردآباد که قدمتی بیش از ۷۰۰ سال دارند، برمی‌خوریم. «قراگزلوها» از اولین ساکنان مهم این اراضی بودند که با اسکان آن‌ها، این محل شکل آبادی به خود گرفت. این طایفه که ابتدا با دام‌داری امرار معاش می‌کردند، این محل را چراگاه مناسبی برای دام‌های خود یافته و در این دیار سکنی گزیدند. «عبدالله خان قراگزلو» در یادداشت‌های خود می‌نویسد: «جداعلای ایشان قرامحمدخان در ابتدای دوره صفویه وارد این منطقه شده، در محل روستای طاسران فعلی ماندگار گردیده و فرزندان‌ش در طول سال‌ها اقامت در منطقه، آبادی‌های بسیاری را بنا نموده‌اند...» (جعفری، ۱۳۹۵: ۲۵-۲۳). کبودرآهنگ پیش‌تر چمن‌زاری بزرگ و وسیع بوده با آب‌های زیرزمینی فراوان که از طریق کندن کاریز و قنات، آب‌ها را به سطح زمین می‌رسانیده‌اند. پنج مورد از بزرگ‌ترین چشمه‌های موجود در این ناحیه عبارتند از: بیزینج، سازجین، جهرآباد، سادلج و راهنگ. البته زمین‌هایی را که هر یک از این چشمه‌ها آبیاری می‌کرده‌اند، امروز نیز به همین نام معروف هستند. چشمه راهنگ از همه بزرگ‌تر و پرآب‌تر بوده که نام کبودرآهنگ نیز از آن گرفته شده است و این نام‌گذاری به دلیل آن بوده که گل این منطقه متمایل به رنگ کبود بوده و آب جاری در این منطقه نیز به رنگ کبود جلوه می‌نمود، از این رو آن را کبودرآهنگ نامیده‌اند. در نوشته‌های «یاقوت حموی» این منطقه به نام «کلکبود» نامیده شده است. در زبان محلی «کورنگ» که همان «گوی راهنگ» که گوی به معنی «کبود» و «راهنگ» برگرفته از چشمه راهنگ می‌باشد (چایانی، ۱۳۹۰: ۱۶).

عین‌السلطنه در معرفی کبودرآهنگ چنین آورده است: «... کبودرآهنگ قصبچه بزرگی است که مرکز این دهات واقع شده. بازار، دکان، همه چیز دارد. حاجی‌های معتبر دارد که تجارت قالی می‌کنند و قالی کبودرآهنگ بسیار ممتاز می‌شود. سنوآت سابق که قالی رواج داشت روزی سی-چهل

هزار تومان در کبودرآهنگ معاملات قالی می‌شد که امروزه از آن رونق افتاده است... مرحوم حاجی امیرنظام چندان مکتبی از پدر نداشت. لکن به واسطه لیاقت و جدیت و هنرمندی که داشت هنگام موت یکی از متمولین ما محسوب می‌گردید که دارای همه چیز بود. گفتند هنگام موت یکصد و بیست پارچه ده و دهکده و قراء در همدان و عراق و خمسه از خود باقی گذاشت، با دوازده هزار خروار غله که خرواری پنجاه تومان قیمت داشت و شصت هزار لیره [می‌شد]. آن چه من خبر دارم در بانک‌ها و تجارتخانه‌های زردشتی‌ها مبلغ گزافی به ودیعه گذاشته بود و این‌ها سوای پول زرد و جواهر و قالی و قالیچه و اشیاء عتیقه، عمارت باغ و مخلفه بی حساب بود...» (روزنامه خاطرات عین السلطنه، ج ۱۰، ص: ۷۷۷۷؛ سالور و افشار، ۱۳۷۴: ۱۴۳-۶۱۴۷).

آن چه از این منابع مشخص می‌شود، تا پیش از دوره صفوی اطلاعات جامعی از شهرستان کبودرآهنگ وجود ندارد و این ناحیه بعد از دوره یادشده است که مورد توجه طوایف قراقرلوها واقع گردیده و آغاز حیات تاریخی آن به حضور خوانین قراقرلو بالأخص از دوره قاجار بازمی‌گردد که در مناسبات درباری دوران قاجار و پهلوی نیز تأثیرگذار بوده‌اند؛ تا جایی که امیرنظام قراقرلو، به مناسبت عروسی «محمدرضاشاه پهلوی» با «فوزیه»، جشن بسیار مجللی در همدان و کبودرآهنگ برگزار کرده است (جعفری، ۱۳۹۵: ۶۹).

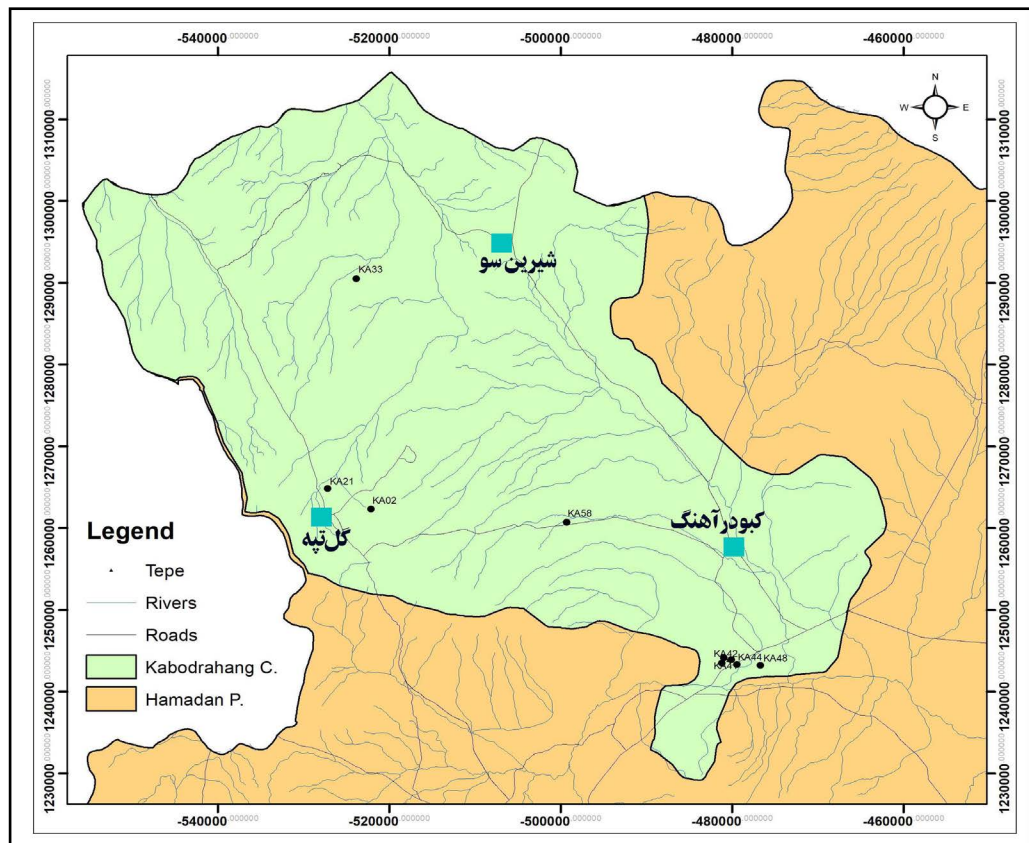
### استقرارها و محوطه‌های دشت کبودرآهنگ

همان‌گونه که در مقدمه نیز اشاره شد، دشت کبودرآهنگ برای نخستین بار با طرح پژوهشی «بررسی و شناسایی باستان‌شناختی بخش گل‌تپه و مرکزی شهرستان کبودرآهنگ» (نظری‌ارشد، ۱۳۸۶) در دو مرحله مورد بررسی باستان‌شناختی قرار گرفت که در مرحله اول (تابستان ۱۳۸۶) ۶۰ اثر و در مرحله دوم (پاییز ۱۳۸۶) ۸۰ اثر باستانی شناسایی گردید. براین اساس، در بررسی منطقه در فصل نخست، برای هر محوطه یک شماره کدمحل پس از حرف «KA» که برگرفته از نام «کبودرآهنگ» است، در نظر گرفته شد؛ به طوری که پس از پایان عملیات بررسی و شناسایی در فصل اول تعداد ۶۰ کد و در فصل دوم ۸۰ کد (در مجموع دو فصل، ۱۴۰ کد) برای کلیه آثار شناسایی شده، اختصاص یافت. این آثار، شامل بناهای عام‌المنفعه نظیر: حمام، پل، گورستان، قلعه‌های کوهستانی و دشت‌گونه با مصالح سنگ و خشتی با کاربردهای مسکونی و حکومتی، غار، نقوش صخره‌ای و سایر موارد به صورت تپه‌های باستانی از دوره مس و سنگ قدیم تا دوره پهلوی را دربر داشته است. در بیشتر این تپه‌های باستانی، چندین دوره استقرار به صورت متوالی وجود داشته است (نقشه ۲-۴، جدول ۱). در ادامه، اطلاعاتی در مورد گونه‌شناسی انواع محوطه‌ها و تپه‌های باستانی دشت کبودرآهنگ براساس دوره و فرهنگ‌های باستان‌شناختی رایج در آن ارائه خواهد شد.

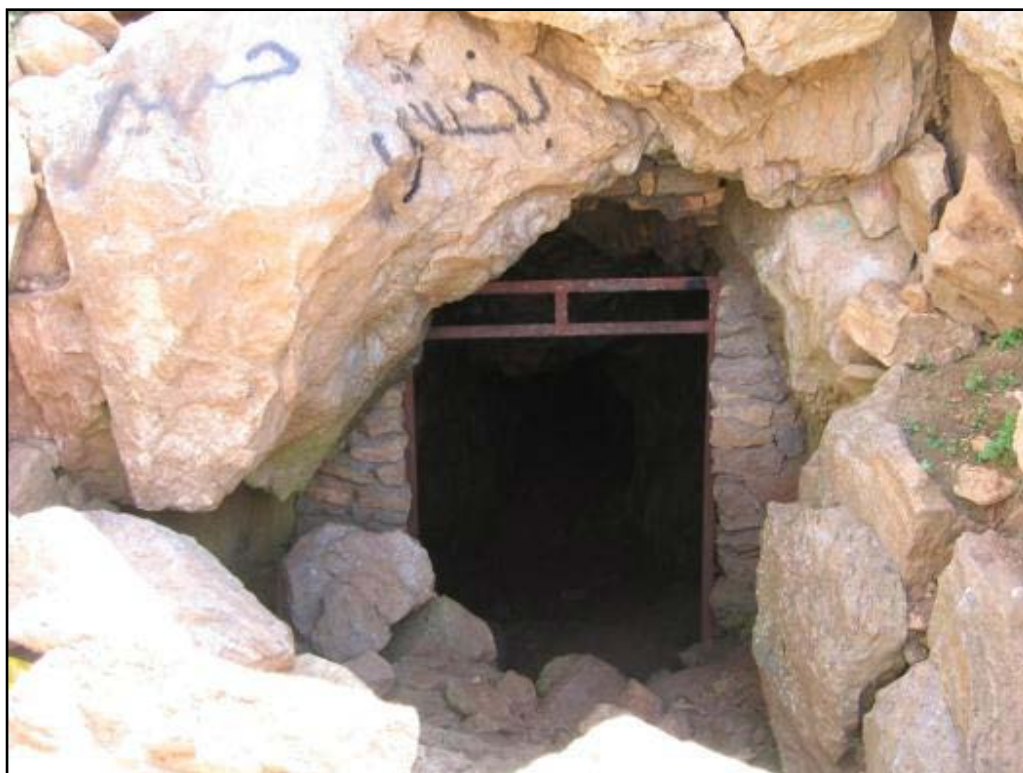
### ۱. استقرارهای پیش از تاریخ

**عصر مس و سنگ:** قدیمی‌ترین آثار و فرهنگ‌های رایج شناسایی شده از دشت کبودرآهنگ متعلق به ادوار مس و سنگ است که در این میان، از ۱۳ محوطه، آثار دوره مذکور شناسایی شده است. تحولات فرهنگی دوره مس و سنگ دشت کبودرآهنگ از محوطه‌های غار سراب، تپه دیوونه، تپه آلان علیا، تپه شیخ جراح، حسن تپه، تپه بزرگ (بُیوک تپه)، تپه گود، گوجه تپه، تپه امام‌زاده ویان، شعبان تپه، تپه چاه، تپه عین‌آباد، چخماق تپه، شناسایی شده و قابل مطالعه هستند (جدول ۱، نقشه ۲). هم‌چنین تنها غار شناسایی شده در این دشت، «غار سراب» است. این غار در ارتفاع ۲۲۳۶ متر از سطح دریا قرار دارد. جهت دهانه غار رو به شمال بوده و یک چشمه در زیر دهانه آن، از کوه برون زد دارد. محوطه در بستر طبیعی کوه قرار گرفته و هم‌سطح سایر عوارض طبیعی است (تصویر ۲). آثار و بقایای باستان‌شناختی این غار را سفال‌های دوره مس و سنگ قدیم در طیفی از نارنجی، نخودی

نارنجی، نخودی و نخودی مایل به خاکستری، قهوه‌ای و پوشش رقیق نخودی، سفال‌های موسوم به سینی پوست‌کنی قابل مقایسه با نمونه‌های گودین و تپه تازه‌کند (بلمکی، ۱۳۹۴) و ابزار سنگی تشکیل می‌دهد. نمونه این ابزارها به شکل ابزارهای دوزنقه‌ای دوره مس و سنگ قدیم و میانی و موارد دیگر به شکل تراشه ابزار است (تصویر ۳). آثار مربوط به دوره مس و سنگ قدیم از چهار محوطه شناسایی شده است. آثار مس و سنگ میانی از ۱۰ محوطه و مس و سنگ جدید از ۱۱ محوطه شناسایی شده است. پراکنش محوطه‌های مس و سنگ دشت کبودرآهنگ در تمام نواحی آن به چشم می‌خورد و در یک نگاه اجمالی، ویژگی‌های محوطه‌های مس و سنگ این منطقه را می‌توان چنین تفسیر کرد: ۴۲٪ استقرارهای مس و سنگ دشت کبودرآهنگ دارای وسعتی کم‌تر از یک هکتار، ۱۲٪ استقرارها دارای وسعتی بین نیم تا یک هکتار و ۴۶٪ استقرارها دارای وسعتی بیش از یک هکتار هستند (جدول ۱ و نقشه ۲). در مجموع، محوطه‌های این دشت را روستاهای کوچک و بزرگ به خود اختصاص داده‌اند که با فاصله‌ای مشخص و معنادار در دشت کبودرآهنگ توزیع یافته‌اند. بیشترین تمرکز و تجمع استقرارها در نواحی جنوبی این دشت، جایی که از منظر فضایی در ارتفاع متوسط حدود ۱۶۵۰ متر از سطح آب‌های آزاد و نزدیک‌ترین و سهل‌الوصول‌ترین راه به دشت همدان و راه‌های مواصلاتی به محوطه‌های شاخص زاگرس مرکزی مانند: گودین، گیان و گوران را دارد، توزیع یافته است. مس و سنگ قدیم دشت کبودرآهنگ قابل مقایسه با گودین XI و X و فرهنگ شاخص دوره مس و سنگ قدیم در شرق زاگرس مرکزی، فاز شهرن آباد است (Levine, 1975). آثار مرتبط با دوره مس و سنگ میانی قابل مقایسه با گونه‌های شاخص سفالی این دوره (دالما و سه‌گابی)، (Young, 1963: 38-39) و قابل مقایسه با دوره گودین VIII و IX از نوع سفال‌های پوشش گلی غلیظ قهوه‌ای متمایل به قرمز است و در نهایت آثار مس و سنگ جدید این ناحیه قابل مقایسه با یافته‌های فرهنگی تپه‌های سه‌گابی، گیان و گودین



نقشه ۲. موقعیت و پراکنش استقرارهای دوره مس و سنگ دشت کبودرآهنگ (نگارندگان، ۱۳۹۶).



تصویر ۲. نمای غار سراب (نظری ارشد، ۱۳۸۶).



تصویر ۳. نمونه سفال‌های با پوشش گلی غلیظ و ابزارسنگی‌های مس و سنگ دشت کبودرآهنگ (نظری ارشد، ۱۳۸۶).

است. این دوره فرهنگی در زاگرس مرکزی تحت عنوان دو مجموعه عمده از مواد فرهنگی شاخص این دوره با نام گودین VII (فاز حسین آباد) و گودین VI (فاز چشمه‌نوش) معرفی شده است (Levine & Young, 1986: 33).

**عصر مفرغ:** آثار عصر مفرغ دشت کبودرآهنگ در ۱۶ استقرار و از محوطه‌های تپه کوریجان، تپه دیبونه II، تپه بزرگ، تپه گود، گوجه تپه، تپه عین آباد، تپه عین آباد I، تپه شهرک ویان، تپه شاوله III، تپه متروک II، تپه متروک I، ساری تپه، تپه دستجرد I، تپه اکنلو III، چهارطاق تپه، و چخماق تپه شناسایی شده است (نقشه ۳، جدول ۱). این دوره در زاگرس مرکزی با سفال‌های نوع گودین IV (مفرغ قدیم) و فازهای گودین III هم‌افق با مفرغ میانی و جدید شناسایی و معرفی شده است (Young, 1967). از گونه‌های سفال عصر مفرغ قدیم دشت کبودرآهنگ می‌توان به سفال‌های خاکستری-سیاه یانیقی، سفال‌های دسته نخجوانی و سفال‌های نخودی منقوش مفرغ میانی و جدید، مشابه با نوع گودین III اشاره کرد (Henrickson, 1986). باید در نظر داشت که گودین III خود به فازهای III:5، III:6 و III:4 تحت عنوان دوره مفرغ میانی و فازهای III:2، III:3 و III:1 دوره جدید عصر مفرغ

تقسیم می شود (هنریکسون، ۱۳۸۲: ۴۴۷-۴۰۵). سفال های مفرغ میانی دشت کبودرآهنگ مرتبط با سنت های سفالی فاز 5: III تپه گودین (Henrickson, 1984: 435-573) و سفال های مفرغ جدید نیز مشابه سفال های فاز 2: III گودین تپه (Henrickson, 1984: 685-692) و تپه گیان در طبقات IV تا II (مقیم، ۱۳۹۵: ۱۸۴-۱۷۸) هستند. از ویژگی های مهم سفال های عصر مفرغ دشت مذکور می توان به نقوش لوزی یا طرح جناقی و نواری از لوزی های توپُر و یا هاشوردار با رنگ قرمز بر زمینه نخودی، نقش های برجسته و... اشاره کرد (تصویر ۴). از منظر توزیع فضایی، در تمامی نقاط دشت کبودرآهنگ پراکنش فرهنگ های عصر مفرغ به چشم می خورد، اما به مانند دوره مس و سنگ بیشتر محوطه ها در نواحی جنوبی دشت تمرکز یافته اند؛ چراکه فرهنگ های عصر مفرغ این ناحیه عمدتاً بر روی آثار مس و سنگ جدید و در همان محوطه تداوم داشته و تنها در سه محوطه است که آغاز استقرار در آن از دوره مفرغ بوده و آثاری قدیمی تر از این دوره در آن وجود نداشته است.

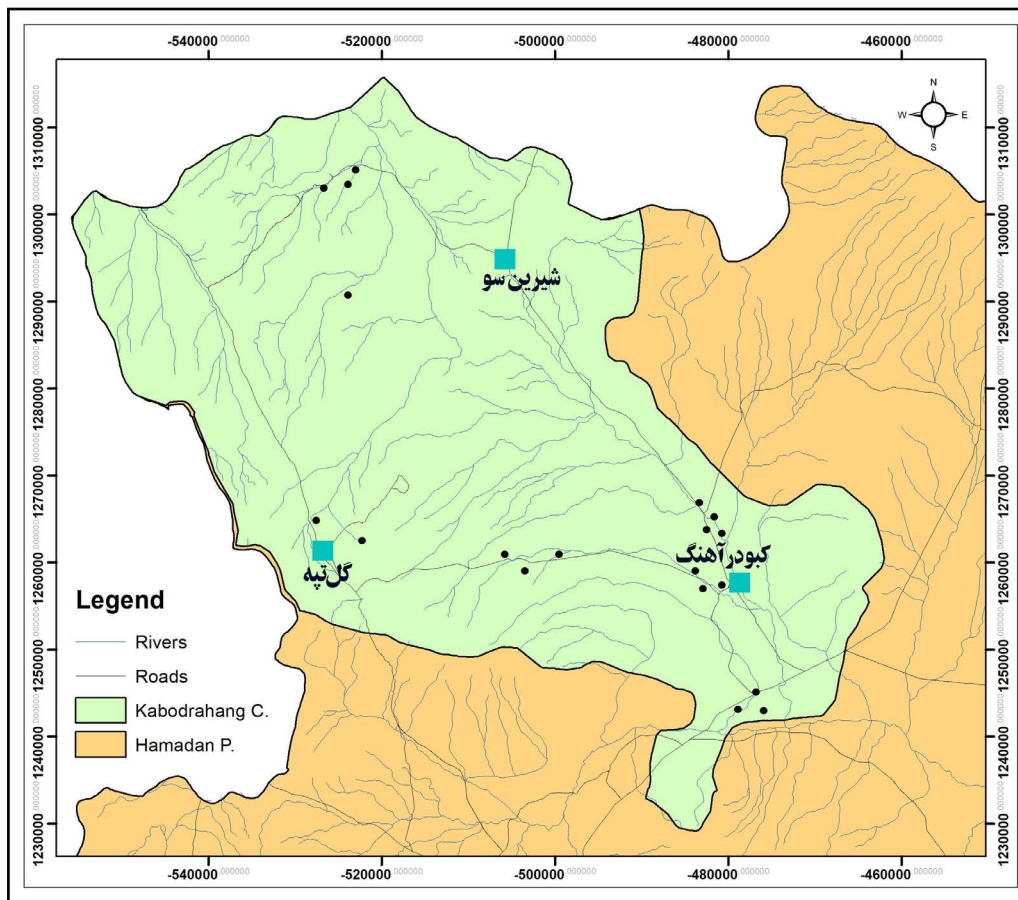


تصویر ۴. نمونه سفال های عصر مفرغ کبودرآهنگ (نظری ارشد، ۱۳۸۶).

**عصر آهن:** آثار عصر آهن در دشت کبودرآهنگ محدود و تنها از ۵ استقرار از محوطه های تپه دیبونه II، تپه انجیر باغی II، تپه شاول III، تپه متروک I و تپه دستجرد I شناسایی شده است (نقشه ۳، جدول ۱). گونه های شاخص فرهنگی عصر آهن این دشت با سفال های خاکستری، سفال نخودی و قبرستان های مختص عصر آهن شناخته می شود. نمونه سفال های عصر آهن دشت کبودرآهنگ قابل مقایسه با گودین II و I و طبقه I تپه گیان است (Young & Levine, 1974; Gopnik, 2011: 361).

## ۲. دوران تاریخی

**دوران اشکانی و ساسانی:** آثار دوران تاریخی دشت کبودرآهنگ از ۱۰۶ استقرار شناسایی شده که می توان بیشتر با دوران اشکانی و ساسانی مرتبط دانست. با توجه به سطحی بودن آثار شناسایی شده و فقدان نمونه های شاخص ادوار مختلف تاریخی مانند ماد (آهن III) و هخامنشی، براساس نمونه



نقشه ۳. موقعیت و پراکنش استقرارهای عصر مفرغ و آهن (نگارندگان، ۱۳۹۶).

سفال‌های دوران تاریخی، فقط می‌توان با قطعیت سفال‌های جیلینگی و نمونه سفال‌های خمره‌های اشکانی و ساسانی را در بین یافته‌های سفالی تمیز و تشخیص داد که نمونه‌های مختلف آن از سایر محوطه‌های تاریخی دوران اشکانی و ساسانی منطقه همدان نیز شناسایی شده است (تصویر ۵). از مهم‌ترین شواهد باستان‌شناختی متعلق به دوران تاریخی در این منطقه، آثار معماری و خشت است که در برخی از محوطه‌ها به دلیل حفاری غیرمجاز و فرسایش تپه برون‌زد دارند (تصویر ۶). از آثار شاخص این دوران باید به مجموعه آثار نقوش صخره‌ای با نام «ابدال طاقچه‌سی» (تصویر ۷) اشاره کرد که براساس تنوع نقوش و مشابهت آن با برخی دیگر از آثار نقوش صخره‌ای استان همدان مانند «ارگس سفلی» در ملایر (بیک محمدی و همکاران، ۱۳۹۱) به دوره اشکانی منسوب می‌گردد. مجموعه آثار محوطه تاریخی «قلعه جوق» نیز از شاخص‌ترین قلعه‌های (نیایشگاه؟) اشکانی- ساسانی (?) در دشت کبودرآهنگ است. آثار و مواد فرهنگی موجود در جای جای این محوطه، طیفی از دوره اشکانی تا قرون میانه اسلامی را دربر می‌گیرد. وجود حجم وسیعی از آثار در سطح گسترده‌ای از منطقه و هم‌چنین تنوع آثار و غنای داده‌های باستان‌شناختی مجموعه از جمله استودان‌های دستکند صخره‌ای با پیچیدگی‌های معماری منحصربه‌فرد (حفره‌های سنگی در دیوار صخره و در کف صخره)، مجموعه بناهای محوطه استقرار، گورستان تاریخی، برج سنگی (برج خاموشان)، بیان‌گر محوطه استقرار با کارکرد مذهبی (?) نسبتاً وسیع است (برای اطلاع بیشتر ر. ک. به: محمدی و رضایی، ۱۳۹۶).

دشت کبودرآهنگ از لحاظ زمین‌ریخت‌شناسی، به صورت دشتی میان‌کوهی در بین ارتفاعات کم‌وبیش مرتفع زاگرس مرکزی گسترده شده است که خود به دو واحد عمده توپوگرافی قابل تقسیم



تصویر ۵. نمونه سفال‌های دوران تاریخی دشت کبودرآهنگ (نظری ارشد، ۱۳۸۶).



تصویر ۶. نمونه خشت‌های دوره تاریخی (اشکانی) دشت کبودرآهنگ (نظری ارشد، ۱۳۸۶).

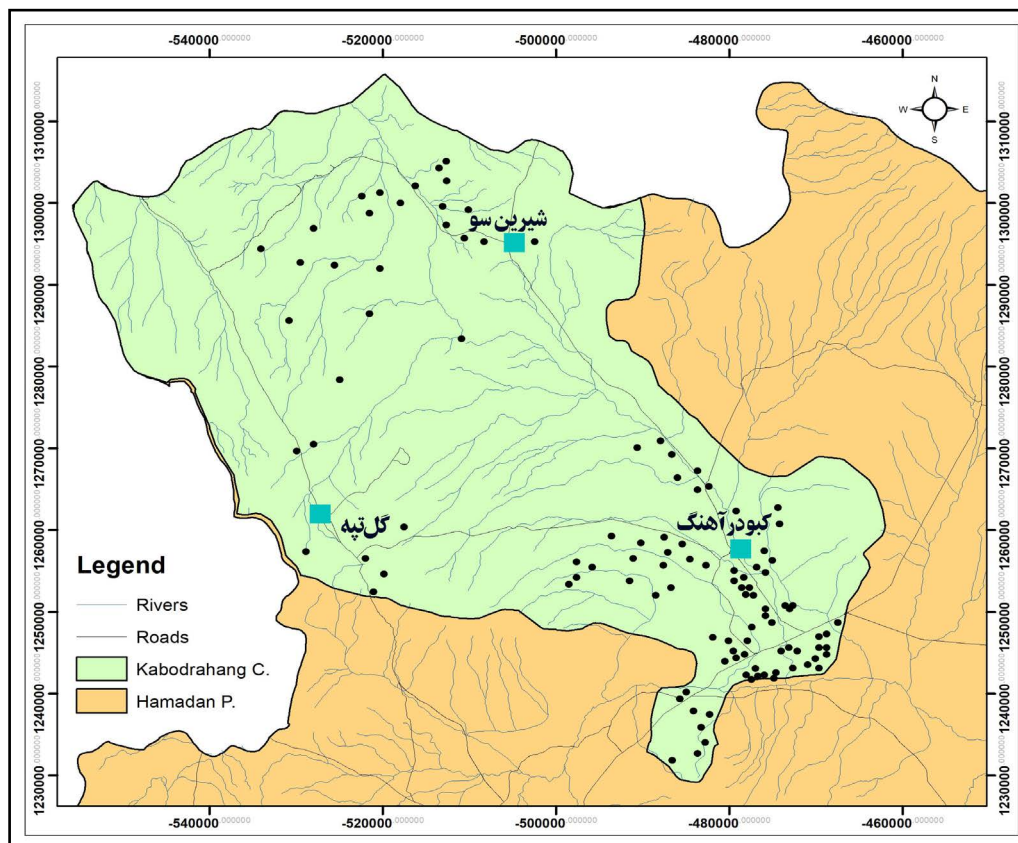


تصویر ۷. نمونه نقوش حیوانی مجموعه نقوش صخره‌ای ابدال طاقچه‌سی دشت کبودرآهنگ (نظری ارشد، ۱۳۸۶).

است که عبارتند از: واحد کوهستانی و ارتفاعات و واحد دشت گونه و زمین‌های نسبتاً پست (نقشه ۱). دشت کبودرآهنگ بین ۱۶۰۰ تا ۲۵۰۰ متر نوسان ارتفاع دارد. این چین‌خوردگی‌ها (پستی و بلندی‌ها) بستر اولیه استقرار در محوطه‌های باستانی را تشکیل داده است. در ارتفاعات و کوهستان‌های منطقه، دره‌های میان‌کوهی بسیاری در نواحی شمالی وجود دارد که برخی از روستاهای امروزی شهرستان کبودرآهنگ در آن به صورت خطی گسترده شده‌اند. مهم‌ترین مجموعه استقرارهای (بالای یک هکتار) تاریخی دشت کبودرآهنگ در ارتفاعات ۱۶۰۰ تا ۲۰۰۰ متر از سطح دریا توزیع یافته و الگوی معیشتی کشاورزی را دارا بوده است. هم‌چنین خرده محوطه‌های اقماری کوچک (زیر یک هکتار) نیز که نشان از وابستگی به مراتع و دامنه‌های کوهستانی و دره‌های میان‌کوهی با ارتفاع ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ متر از سطح آب‌های آزاد داشته (نقشه ۴)، از الگوی معیشتی رمه‌داری برخوردار بوده و به‌مانند سایر محوطه‌های باستانی برخی از دشت‌های استان همدان مانند دشت توپسرکان و... (برای اطلاع بیشتر ر. ک. به: بیگ محمدی و نظری ارشد، ۱۳۹۶) توزیع و پراکنش دارند و عمدتاً در نواحی شمالی دشت کبودرآهنگ واقع شده‌اند.

### ۳. دوران اسلامی

آثار دوران اسلامی دشت کبودرآهنگ از ۱۲۵ استقرار و از ادوار مختلف قرون اولیه، میانی و متأخر شناسایی شده است و گونه‌های مختلف آثاری مانند: حمام، پل، گورستان، قلعه‌ها و تپه‌های باستانی را دربر دارد (نقشه ۵، جدول ۱). مبنای گاهنگاری آثار دوران اسلامی دشت کبودرآهنگ به‌واسطه معماری و سفال صورت گرفته است. گونه‌های مختلف سفال دوران اسلامی مکشوف از محوطه‌های دشت کبودرآهنگ را انواع سفال‌های ساده و بدون نقش، لعاب‌دار (شامل:



نقشه ۴. موقعیت و پراکنش استقرارهای دوران تاریخی دشت کبودرآهنگ (نگارندگان، ۱۳۹۶).

فیروزه قلم مشکی، آبی و سفید، سفال های سبک سلطان آباد، سفال های لعاب دار تک رنگ ساده به رنگ آبی و سبز، سفال های با تکنیک نقاشی زیر لعاب، اسگرافیاتو، سفال های بدون لعاب با نقش کنده، افزوده و قالب زده به خود اختصاص داده است (تصویر ۸). تراکم سفال در اکثر محوطه های اسلامی دشت کبودرآهنگ چشم گیر بوده و بیشتر داده های سفالی سطحی را قطعات بدنه و لبه تشکیل داده اند. برآیند مطالعه سفال های دوران اسلامی دشت کبودرآهنگ نشان گر آن است که این دشت در همه ادوار مختلف اسلامی مورد توجه بوده؛ چراکه با توجه به انواع سفال های شناخته شده از قرون اولیه تا متأخر، می توان نشانه هایی از تداوم استقرار در منطقه در ادوار یادشده را مشاهده نمود. سفال های دوران مختلف اسلامی از کاوش های ارزانفود (زارعی و همکاران، ۱۳۹۵)، زینوآباد (محمدی و شعبانی، ۱۳۹۵)، بررسی باستان شناختی توپسرکان (نظری ارشد، ۱۳۹۱)، بررسی باستان شناختی دشت ملایر، بخش های مرکزی و جوکار (نظری ارشد، ۱۳۸۶)، بررسی باستان شناختی بخش زند دشت ملایر (جانجان، ۱۳۹۱)، مطالعات تعیین عرصه و حریم محوطه هگمتانه (هژبری، ۱۳۸۹)، محله دوخواهران نهاوند (رهبر، ۱۳۹۱ الف)، کاروانسرای ایلخانی بیستون (رهبر، ۱۳۹۱ ب) و ... به دست آمده که قابل مقایسه با سفال های دوران اسلامی مکشوف از دشت کبودرآهنگ هستند.

از منظر توزیع فضایی، در تمامی نقاط دشت کبودرآهنگ پراکنش استقرارهای ادوار مختلف قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی به چشم می خورد. دلیل آن نیز پیشرفت فناوری در احداث قنات و مدیریت منابع آب (آب های سطحی و زیرزمینی) و در نتیجه، انجام کشاورزی دیم و آبی، حضور عشایر در جای جای دشت و استفاده از این نواحی به عنوان بیلاق و قرارگیری این دشت در مسیر ارتباطی شاهراه خراسان بزرگ است.

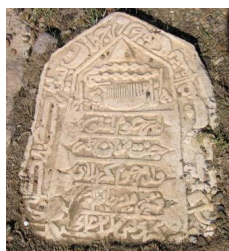
**قرون اولیه اسلامی:** آثار قرون اولیه اسلامی دشت کبودرآهنگ از ۱۰۵ استقرار شناسایی شده است. تعداد بی شماری سفال ساده از بیشتر محوطه های دشت به دست آمده است. این گونه سفال ها از نظر شکل و نوع کاربرت، تداوم سنت های رایج در دوره ساسانی را نشان می دهند. در بیشتر نمونه ها تشخیص سفال های ساسانی از اوایل دوران اسلامی اندکی دشوار است. سفال های لعابدار دوران اسلامی را انواع سفال های اسگرافیاتو، لعاب پاشیده، گلابه ای و ... تشکیل داده است. سفال های منقوش بدون لعاب از نوع نقش کنده خطی، نقش افزوده و قالب زده هستند که متعلق به قرون نخستین اسلامی بوده و برخی از این شیوه های تزئینی نیز ادامه روش های تزئینی عهد ساسانی است و شماری از آن ها را نیز می توان از نوآوری های سفالگران دوران اسلامی دانست.

**قرون میانه اسلامی:** آثار قرون میانی اسلام دشت کبودرآهنگ از ۱۰۱ استقرار شناسایی شده است. شاخص ترین آثار قرون میانه اسلامی دشت کبودرآهنگ را انواع سفال های دوران سلجوقی، ایلخانی و تیموری تشکیل می دهد. از دیگر آثار فرهنگی قرون میانه اسلامی کبودرآهنگ، سنگ قبرهای صندوقچه ای سلجوقی (تصویر ۹: سمت راست) است که قابل مقایسه با نمونه های شناسایی شده از نقاط مختلف همدان است که بیش از ۱۰۰ نمونه آن در موزه هگمتانه نگه داری می شوند (برای اطلاع بیشتر از سنگ قبرهای دوره سلجوقی ر. ک. به: بیک محمدی و نظری، ۱۳۹۶: ۹۱-۱۱۶).

**قرون متأخر اسلامی:** آثار قرون متأخر اسلامی دشت کبودرآهنگ از ۵۷ استقرار شناسایی شده است. از آثار شاخص این ادوار باید از انواع سفال، حمام ها، پل، قبرستان ها (تصویر ۹: وسط و سمت چپ) و قلاع حصین اربابی و حاکم نشین نام برد. شاید بتوان مهم ترین اثر معماری این دوران را پل آجری کوریجان (برای اطلاع از این پل ر. ک. به: جانجان و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۳۱-۵۳۲) متعلق به دوره صفوی دانست. قلاع اربابی دشت کبودرآهنگ که از شاخص ترین آثار معماری دوران متأخر اسلامی منطقه به شمار می روند (تصویر ۱۰)، به مانند سایر قلاع اسلامی استان همدان از گونه قلاع دشتی و گاهی کوهستانی هستند که در قرون متأخر اسلامی به دلیل ضعف حکومت



تصویر ۸. نمونه سفال‌های دوران اسلامی دشت کبودرآهنگ (نظری ارشد، ۱۳۸۶).



تصویر ۹. نمونه سنگ قبرهای (سمت راست:) قرون میانی تا (وسط و سمت چپ:) متأخر اسلامی دشت کبودرآهنگ (نظری ارشد، ۱۳۸۶).

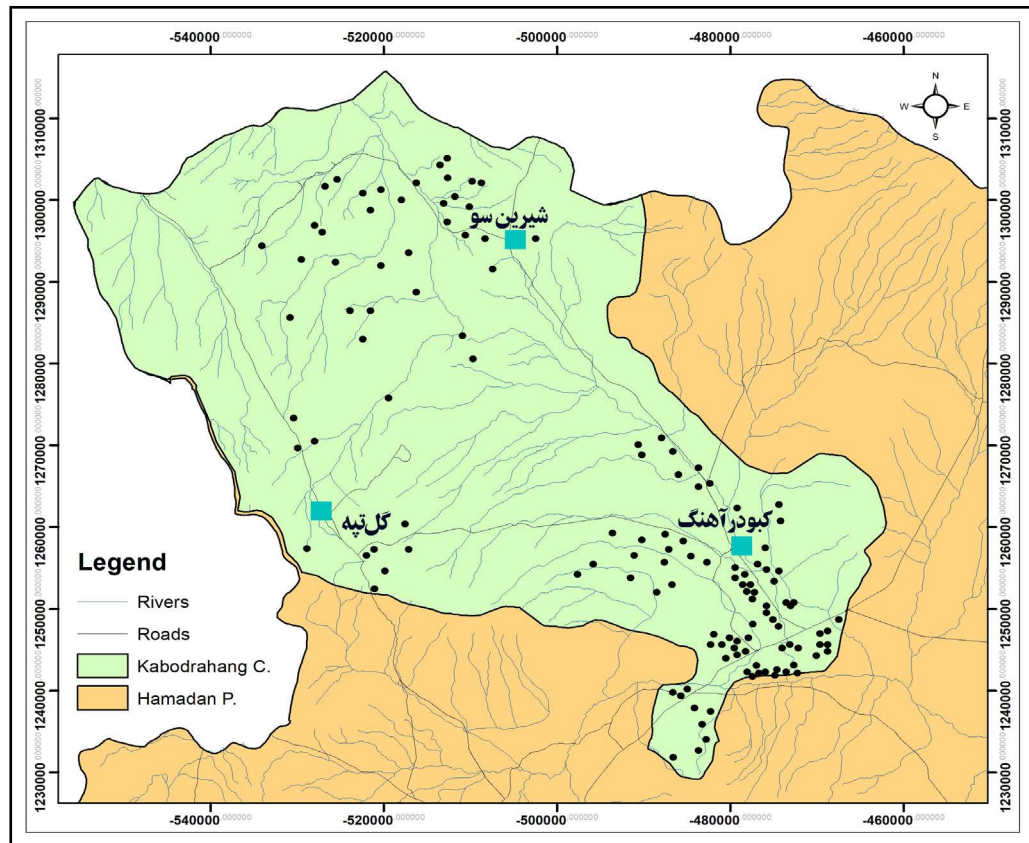


تصویر ۱۰. نمونه قلعه‌های دوران اسلامی متأخر دشت کبودرآهنگ (نظری ارشد، ۱۳۸۶).

مرکزی و هرچ و مرج‌های ناشی از آن، بالأخص در ادوار مختلف قاجار و پهلوی اول و نیز با هدف اقامت و سکونت خوانین محلی و اطرافیان‌شان، احداث شده‌اند. این بناها با کارکردی به‌عنوان مراکز حکومتی و محلی امن، در گذشته همواره مورد توجه بوده‌اند. در ساخت بنای قلعه‌های دشت کبودرآهنگ، هم‌چون تمامی قلاع دشتی و کوهستانی که نمونه‌های آن در دشت همدان (قلعه قصر قجر و امیرافخم شورینی، قلعه اربابی سنگستان و...)، بهار (قلعه یکن‌آباد و...) و...، مشاهده می‌شوند، عوامل نظامی و توان دفاعی بهتر همواره مورد توجه بوده و لذا به‌همین منظور بیشترین این قلاع در دامنه‌ها و پشته‌های طبیعی و بلندی‌ها به‌جهت اشراف به مناطق پیرامونی احداث شده‌اند. یکی از ویژگی‌های عمده قلعه‌های اربابی دشت کبودرآهنگ، بهره‌گیری از مصالح

بوم‌آورد و ایجاد سازه‌ای برج‌مانند در آن‌ها با کارکردهای متفاوتی چون سکونت و دیده‌بانی بوده است (تصویر ۱۰). این قلاع عمدتاً از خشت، چینه و گاهی آجر ساخته شده‌اند و در پی آن‌ها از سنگ استفاده شده است. تزئینات شاخص قلاع در بخش حاکم‌نشین به‌خصوص در سرستون و پایه‌ستون‌های ایوان شامل گچ‌بری‌ها و درنمای آن، آجرکاری است (برای اطلاع بیشتر از گونه‌ها و ویژگی‌های این نوع قلاع ر. ک. به: محمدی و رضایی: ۱۳۹۹: ۲۳۲-۲۶۵). عمده قلاع قاجاری دشت کبودرآهنگ از آن‌ها خوانین فراگزلو بوده که در سطح این شهرستان، ۱۱ قلعه‌ا‌ربابی به‌جا مانده است که تعدادی از آن‌ها هم‌اکنون قابل سکونت هستند. این قلعه‌ها عبارتند از: قلعه‌هادی‌خان و قلعه‌فتح‌سلطان روستای باش‌قورتاران، قلعه‌یدالله‌خان و قلعه‌سهراب‌خان روستای ایستی‌بلاغ، قلعه‌اربابی روستای قادرآباد، قلعه‌ذوالفقاری روستای وصله، قلعه‌اربابی روستای عبدال‌آباد، قلعه‌اربابی روستای طراقیه، قلعه‌روستای سراب، قلعه‌فتح‌السلطنه روستای داق‌داق‌آباد و... (جعفری، ۱۳۹۵: ۱۸۰). پراکنش و توزیع فضایی این قلاع، عمدتاً در قلمرو و هسته مرکزی تحت حکومت حاکم محلی با کارکردی به‌عنوان مراکز حکومتی و نظارتی در حفظ مایملک و مدیریت منابع اقتصادی ساخته شده که در یک سده اخیر نیز شکل‌گیری روستاهای امروزی دشت کبودرآهنگ در جوار این قلاع حصین صورت پذیرفته است.

عمده قلاع اسلامی دشت کبودرآهنگ، امروزه کاربری خود را از دست داده و به‌دلیل عدم حفاظت مناسب و هم‌چنین نوع مصالح به‌کاررفته در آن (خشت و چینه) تخریب شده و برخی نیز در آستانه تخریب کامل قرار دارند. در این مورد باید از «قلعه‌امیرنظام» در ناحیه حاجیلو (کبودرآهنگ) بالادست اراضی روستای روعان نام برد که توسط کشاورزان کاملاً تسطیح شده و دیگر اثری از آن باقی نمانده است. تخریب محوطه‌های مختلف قرون متأخر اسلامی محدود به قلعه‌ها نبوده و



نقشه ۵. موقعیت و پراکنش استقرارهای دوران اسلامی دشت کبودرآهنگ (نگارندگان، ۱۳۹۶).

جدول ۱. مشخصات ۱۴۰ محوطه شناسایی شده از بررسی‌های دشت کبودرآهنگ (نظری‌ارشد، ۱۳۸۶).

نام محوطه	کد محوطه	دوره‌های تاریخی	نوع آثار	نام محوطه	کد محوطه	دوره‌های تاریخی	نوع آثار
تپه بان	KA.1	اشکانی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال و معماری	تپه کردآباد ۷	KA.71	اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
محوطه غار سراب	KA.2	مس‌وسنگ، قرون میانی و متأخر اسلامی	سفال و ابزار	تپه کردآباد ۶	KA.72	تاریخی (ساسانی؟)، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
تپه قلعه جوق	KA.3	اشکانی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	تپه کردآباد ۷II	KA.73	تاریخی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
اور تا تپه	KA.4	اشکانی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال و معماری	تپه کردآباد ۸III	KA.74	اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
قبرستان اورتا تپه	KA.5	تاریخی، اسلامی	سفال	قلعه کردآباد	KA.75	متأخر اسلامی (قاجار و پهلوی)	معماری و سفال
تپه دهکده	KA.6	اشکانی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	شتر تپه	KA.76	تاریخی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
قبرستان تپه دهکده	KA.7	قرون اولیه و میانی اسلامی	گور و سفال	تپه نورآباد	KA.77	آهن III، تاریخی (اشکانی و ساسانی) و قرون اولیه، میانی اسلامی	سفال
تپه روستای طریقه	KA.8	تاریخی (ساسانی؟)، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	تپه نظرآباد	KA.78	تاریخی (اشکانی و ساسانی)، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
تپه دیوونه I	KA.9	اشکانی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	حمام دانی‌داق آباد	KA.79	متأخر اسلامی (قاجار و پهلوی)	معماری
تپه دیوونه II	KA.10	مس‌وسنگ، مفرغ، آهن، تاریخی و قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال و معماری	تپه قبرستان نوده	KA.80	تاریخی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سنگ‌قبر و سفال
تپه کیوترخان	KA.11	اشکانی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	تپه قزل یازو I	KA.81	تاریخی، قرون اولیه اسلامی	سفال
تپه وسط	KA.12	اشکانی، قرون اولیه اسلامی	سفال	تپه قزل یازو II	KA.82	تاریخی، قرون اولیه اسلامی	سفال
تپه قلعه	KA.13	اشکانی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	تپه روغان (اوشاخلاز تپه)	KA.83	تاریخی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
حمام آق‌بلاغ مرشد	KA.14	قاجار	معماری	تپه استخر (تپه روغان II)	KA.84	تاریخی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
تپه دینیاکان	KA.15	اشکانی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	فولاد تپه I	KA.85	تاریخی (اشکانی و ساسانی)	سفال
تپه قدمگاه جعفر	KA.16	اشکانی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	فولاد تپه II	KA.86	آهن III، تاریخی (اشکانی و ساسانی) و قرون اولیه اسلامی	سفال
تپه خاکستر	KA.17	قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	تپه چاه ۲۵	KA.87	آهن، تاریخی (اشکانی و ساسانی) و قرون اولیه اسلامی	سفال
قلعه جگنلو	KA.18	متأخر اسلامی (قاجار و پهلوی)	معماری	تپه چاه ۲۶	KA.88	اشکانی و قرون اولیه اسلامی	سفال
تپه خرابه پیربادام	KA.19	قرون میانی و متأخر اسلامی	سفال	تپه چاه ۱۳	KA.89	مس‌وسنگ قدیم و جدید، مفرغ، آهن، اشکانی	سفال
تپه قبرستان آلان	KA.20	متأخر اسلامی	گور و سفال	تپه عین آباد	KA.90	مس‌وسنگ میانی و جدید، مفرغ قدیم	سفال
تپه آلان علیا	KA.21	مس‌وسنگ (جدید)، تاریخی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	تپه عین آباد I	KA.91	تاریخی (ساسانی)، قرون اولیه و میانی اسلامی	معماری و سفال
تپه زولا	KA.22	قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال	تپه عین آباد II	KA.92	تاریخی (ساسانی)، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
قزلار قلعه سی	KA.23	ساسانی و قرون اولیه اسلامی	معماری و سفال	تپه شهرک بیان	KA.93	مفرغ، تاریخی، قرون اولیه اسلامی	سفال
تپه خرابه	KA.24	دوران تاریخی و قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	حمام کردآباد	KA.94	متأخر اسلامی (قاجار و پهلوی)	معماری
قلعه طریقه	KA.25	متأخر اسلامی (قاجار و پهلوی)	معماری	طاس تپه	KA.95	تاریخی (اشکانی و ساسانی)	سفال
تپه گزل ابدال	KA.26	اشکانی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	تپه انجیر باغی I	KA.96	تاریخی، قرون اولیه اسلامی	سفال
ابدال طاقچه سی	KA.27	نقوش صخره‌ای (تاریخی؟)	نقوش	تپه انجیر باغی II	KA.97	آهن، تاریخی (اشکانی و ساسانی)	سفال
گورستان انصار	KA.28	متأخر اسلامی	گور و سنگ قبر	تپه دولی	KA.98	تاریخی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
جیره تپه	KA.29	دوران تاریخی و قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال و معماری	تپه احمد آباد	KA.99	تاریخی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
کنه تپه	KA.30	دوران تاریخی و قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	اوش تپه	KA.100	تاریخی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
تپه قبرستان شیخ جراح	KA.31	متأخر اسلامی	گور و سنگ قبر	قلعه خرابه اوش تپه	KA.101	قرون میانی و متأخر اسلامی	سفال
سلمان تپه	KA.32	دوران تاریخی و قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	تپه شاوله I	KA.102	قرون میانی و متأخر اسلامی	سفال
تپه شیخ جراح گور تپه	KA.33	مس‌وسنگ (میانی و جدید)، اشکانی	سفال	تپه شاوله II	KA.103	اشکانی و قرون اولیه اسلامی	سفال
تپه یرگلی	KA.34	اشکانی و قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال	تپه شاوله III	KA.104	مفرغ قدیم، آهن II و III، اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
قلعه سراب I	KA.35	قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	تپه متروک III	KA.105	ساسانی و قرون میانی اسلامی	سفال
قبرستان مهدی آباد	KA.36	متأخر اسلامی (قاجار و پهلوی)	معماری	تپه متروک II	KA.106	مس‌وسنگ، مفرغ، ساسانی و قرون میانی اسلامی	سفال
قبرستان مهدی آباد II	KA.37	متأخر اسلامی (پهلوی)	گور و سنگ قبر	تپه متروک I	KA.107	مس‌وسنگ قدیم، میانی و جدید، مفرغ، آهن III	سفال
حسن تپه	KA.38	متأخر اسلامی (قاجار و پهلوی)	گود و سنگ قبر	تپه بیان	KA.108	تاریخی (ساسانی)، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال و شی سنگی
آدم‌الن	KA.39	مس‌وسنگ قدیم، میانی و جدید	سفال	ساری تپه	KA.109	مس‌وسنگ، مفرغ، تاریخی و قرون اسلامی	سفال
تپه بزرگ	KA.40	دوران تاریخی و قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال	تپه قبرستان نوآباد	KA.110	تاریخی و قرون اولیه اسلامی	سفال
تپه گود	KA.41	مس‌وسنگ قدیم، میانی و جدید، مفرغ، اشکانی و قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	تپه دولت آباد	KA.111	تاریخی و قرون اولیه اسلامی	سفال
قلعه حاتم آباد	KA.42	مس‌وسنگ قدیم، میانی و جدید، مفرغ، اشکانی و قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	تپه قزلیجه	KA.112	اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
گوجه تپه	KA.43	متأخر اسلامی (قاجار و پهلوی)	معماری	کوروش تپه	KA.113	دوران تاریخی و قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال
تپه برزخانه	KA.44	مس‌وسنگ، مفرغ، اشکانی و قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال	قره تپه	KA.114	تاریخی متأخر (ساسانی؟)	سفال
عل تپه	KA.45	اشکانی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	تاک تپه	KA.115	تاریخی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
گرگ تپه	KA.46	اشکانی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	تپه امامزاده راهب	KA.116	دوران تاریخی و قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال
	KA.47	اشکانی، ساسانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال	قیاب تپه	KA.117	اشکانی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	معماری و سفال

معماری و سفال	اشکانی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	KA.117	قیاق تپه	سفال	اشکانی، ساسانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	KA.47	گرف تپه
سفال	اشکانی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	KA.118	گالا تپه	سفال و معماری	اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	KA.48	تپه امامزاده و بان
سفال	تاریخی متأخر (ساسانی؟)، قرون اولیه اسلامی	KA.119	قبرستان طاسران	سفال	اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	KA.49	تپه کناری ایدلو
سفال	تاریخی (اشکانی و ساسانی)، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	KA.120	تپه خسروا	سفال	اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	KA.50	تپه میانه ایدلو
سفال	قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	KA.121	تپه اورقین	سفال	اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	KA.51	تپه ایدلو
سفال	تاریخی متأخر (ساسانی؟)، قرون اولیه اسلامی	KA.122	میرمحمد تپه	سفال	اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	KA.52	تپه بالایی ایدلو
سفال	مس و سنگ جدید، مفرغ قدیم، آهن	KA.123	تپه دستجرد I	سفال	اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	KA.53	تپه ایدلو V
سفال	تاریخی (ساسانی)، قرون اولیه و میانی اسلامی	KA.124	ساری تپه دستجرد	سفال	اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	KA.54	تپه ناصرآباد
سفال	تاریخی (اشکانی؟)، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	KA.125	تپه اکتلو I	سفال	اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	KA.55	تپه فراگل I
سفال	تاریخی (اشکانی)، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	KA.126	تپه اکتلو II	سفال	اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	KA.56	تپه فراگل II
معماری و سفال	مس و سنگ جدید، مفرغ قدیم	KA.127	تپه اکتلو III	سفال	اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	KA.57	تپه فراگل III
سفال	تاریخی (اشکانی)، قرون اولیه و میانی اسلامی	KA.128	سراب تپه	سفال و معماری	اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	KA.58	شعبان تپه
سفال	مس و سنگ، اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	KA.129	چارلی تپه I	سفال	تاریخی، قرون اولیه و میانی اسلامی	KA.59	تپه پیرانبار
سفال	قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	KA.130	چارلی تپه II	سفال	تاریخی، قرون اولیه و میانی اسلامی	KA.60	تپه پیرانبار II
سفال	قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	KA.131	چارلی تپه III	سفال	تاریخی، قرون اولیه و میانی اسلامی	KA.61	تپه پیرانبار III
سفال	تاریخی (ساسانی)، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	KA.132	تپه شیرین سو	سفال	اشکانی، قرون اولیه اسلامی	KA.62	تپه حصار I
سفال	مفرغ، تاریخی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	KA.133	چهارطاق تپه	سفال	تاریخی، قرون اولیه اسلامی	KA.63	تپه حصار II
سفال	مس و سنگ میانی و جدید، مفرغ	KA.134	چخماق تپه	سفال	اشکانی، قرون اولیه اسلامی	KA.64	تپه حصار III
سفال	تاریخی، قرون اولیه و میانی اسلامی	KA.135	تپه زندان نادر	سفال و معماری	اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	KA.65	تپه امیرآباد I
سفال	تاریخی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	KA.136	نادر تپه	سفال	دوران تاریخی و قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	KA.66	تپه امیرآباد II
سفال	قرون اولیه و میانی اسلامی	KA.137	تپه قبرستان کبودرآهنگ	سفال	تاریخی، قرون اولیه و میانی اسلامی	KA.67	تپه کردآباد I
سفال	تاریخی (اشکانی)، قرون اولیه و میانی اسلامی	KA.138	تپه کوریجان I	سفال	تاریخی، قرون اولیه و میانی اسلامی	KA.68	تپه کردآباد II
سفال	تاریخی (اشکانی)، قرون اولیه و میانی اسلامی	KA.139	تپه کوریجان II	سفال	اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	KA.69	تپه کردآباد III
معماری	صغوی	KA.140	پل آجری کوریجان	سفال	اشکانی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	KA.70	تپه کردآباد IV

برخی از قبرستان ها و حمام ها نیز در پسِ سودجویی ها و گاهی بی توجهی ها در معرض تخریب قرار گرفته اند. به این بخش باید حفاری های قاچاق و غیرمجاز صورت گرفته در اغلب محوطه ها را نیز افزود که تنها منحصر به چند دهه اخیر نبوده و براساس برخی گزارش های تاریخی پیشینه این قبیل اقدامات مخرب به عهد قاجاریه و برخی از خوانین آن عهد و حتی دوره پهلوی اول بازمی گردد. در این باره می توان از «امیرنظام لتگاهی» (عبدالله خان) از خوانین قدرتمند قراگزلو نام برد که در کاوش های غیرمجاز باستان شناسی و عتیقه یابی های غارتگرانه و فروش آن ها به دلان بیگانه، دست داشته است. عبدالله خان از اوضاع نابه سامان دوره قاجاریه، به بهترین وجهی استفاده کرده و با نفوذی که در منطقه داشت، ابتدا زیر نظر دولت و نماینده کشور فرانسه و سپس خود به تنهایی یا به همراهی عموزاده اش، فتح السلطنه به خاک برداری مناطق باستانی و استخراج اشیاء عتیقه می پردازد (جعفری، ۱۳۹۵: ۴۲). وی تمام تپه های ناحیه کردآباد (۱۳۲۸ ه.ق.) را به دست رعایای خود خاک برداری کرده و عتیقه هایی از آن جا به دست آورده است، به گونه ای که به اظهار خود وی، ۳۰۰۰ هزار تومان به دولت پرداخت کرده تا هر چه در ملک خود (۱۱ قریه) دارد، حفاری نماید و حق داشته باشد. در روزنامه «جمالیه» آمده است، حاجی امیرنظام همه روزه با ۴۰۰ عمه مشغول استخراج عتیقه و حفاریات واقع در ۱۱ قریه خود با ادعای گرفتن امتیاز از دولت می باشد... (اذکایی، ۱۳۶۷: ۶۱۳). پیرو حفاری های غیرمجاز، به خصوص کاوش هایی که در گذشته توسط عبدالله خان قراگزلو انجام گرفته، نقل قول های فراوانی در میان برخی از مطلعین بومی وجود دارد (جعفری، همان: ۲۳) تپه های قدیمی روستای کردآباد، سادلج و شاهه از جمله مکان هایی بود که در اطراف کبودرآهنگ توسط وی خاک برداری شد و آثار باستانی به دست آمده به دلان خارجی اشیاء عتیقه

فروخته شد. در میان نامه‌های حکومتی وی در کردستان، مکاتبات زیادی در رابطه با قراردادهای و دستوراتی که درباره نحوه استخراج زیرخاک‌ها صادر نموده، وجود دارد که گویای وسعت دامنه عمل او بوده است (جعفری، همان: ۴۲). عین السلطنه در این رابطه می‌نویسد: امیرنظام از یک تپه در همدان که کاوش کرد تقریباً ۵۰ هزار تومان چیزهای نفیس و قیمتی بیرون آورد (روزنامه خاطرات عین السلطنه، ج ۵، ص: ۳۷۷۱؛ سالور و افشار، ۱۳۷۷: ۳۴۹۳).

در سال ۱۳۲۸ ه. ق. حکومت وقت همدان، گزارشی از حفاری و کاوش غیرمجاز عبدالله خان را به مرکز ارسال کرد و امیرافخم شورینی، (حسام‌الملک دوم) نیز به خاطر رقابتی که با وی داشت، نزد حکومتیان به سعایت او پرداخت و حاصل کار این شد که وزارت داخله از سوی وزارت معارف و فواید عامه دستور داد تا قانون حفاریات از مجلس بگذرد و از مکان‌هایی که احتمال وجود اشیاء عتیقه در آن جا وجود دارد، محافظت شود. ولی همان‌گونه که گفته شد بر اثر نفوذی که عبدالله خان داشت، هیچ مأمور قانونی نتوانست در مقابل وی قد علم کند و او هم چنان رذیلانه به کار خود ادامه داد. پس از گزارش‌های مکرر، منطق‌الملک، معاون حکومت همدان بازرسی به روستای کردآباد فرستاد تا او گزارشی از نحوه استخراج عتیقه‌ها و مواردی که کشف شده تهیه نماید، اما مأمور مربوطه گزارش می‌دهد که عبدالله خان و تمامی خرده‌مالک‌ها، تپه‌های کردآباد را خاک برداری کرده‌اند، ولی مشخص نیست که چه اشیایی به دست آمده است (جعفری، همان: ۴۳).

## بحث و تحلیل

زمین‌سیما در مطالعات باستان‌شناسی، به معنای بستر جغرافیایی زندگی انسان تعریف می‌شود، بستری که با محیط پیرامونش شکل گرفته است (Evans, 2006: 132); برای تعریف مفهوم زمین‌سیما و جغرافیای محیطی، بایستی به درکی از مفهوم زمین‌سیما یا چشم‌انداز رسید. تعاریف مختلفی برای مفهوم چشم‌انداز ذکر شده است اما همه این تعاریف در یک مفهوم، مشترک هستند و آن، شامل ساختارهایی است که توسط انسان در میان فضا و ساختار طبیعی خاص خودشان به وجود آمده‌اند (Johnson, 2007: 3). با تحلیل و تبیین تأثیر زمین‌سیما و جغرافیای محیطی در تشکیل، رشد و افول استقرارهای دشت کبودرآهنگ، دانسته است که عوامل جغرافیایی بیشترین تأثیر را در این روند داشته‌اند.

توزیع فضایی و پراکنش استقرارهای دشت کبودرآهنگ، بیشتر در مرکز و نواحی جنوبی آن از ادوار مختلف مس‌وسنگ تا عصر قاجار بوده است و مهم‌ترین و شاخص‌ترین محوطه‌ها از منظر دوره‌های استقرار و وسعت نیز در نواحی مذکور بوده است که کلیدی‌ترین عامل را باید برخوردار از درجه ارتفاعی کم (تا ۱۶۰۰ متر) از سطح آب‌های آزاد و قابلیت‌های کشاورزی و حتی منابع آبی سطحی عنوان کرد. هم‌چنین این ناحیه از منظر راه‌های دسترسی، سهل‌الوصول‌ترین راه‌های ارتباطی بین دامنه‌های شرقی کوهستان الوند و دشت همدان به زاگرس مرکزی و فلات مرکزی را داراست.

از دیگر عوامل شکل‌گیری و توسعه محوطه‌های دشت کبودرآهنگ را می‌بایست در پتانسیل‌های بالقوه کشاورزی، خاک حاصلخیز و توانمندی‌های محیطی منطقه دانست. هم‌چنین از سوی دیگر، افزایش استقرارها در مراتع با ارتفاع نسبتاً بالا از سطح دریا و نامناسب برای کشاورزی، وسعت زیاد این قبیل محوطه‌ها و سطحی بودن آثار قرارگرفته بر روی بستر طبیعی، بیان‌گر رشد فزاینده جمعیت کوچ‌رو در این منطقه بوده است که حتی امروزه نیز دشت کبودرآهنگ شاهد این پدیده است. چنین رویکرد محیطی و جغرافیایی در سایر دامنه‌های مختلف کوهستان الوند نیز صادق است.

بیشترین محوطه‌های دشت کبودرآهنگ را استقرارهای کوچک به خود اختصاص داده‌اند که عمدتاً شامل محوطه‌های خرده‌اقماری ادوار مختلف، در حاشیه رودخانه‌ها و چشمه‌های فصلی

در دره‌های میان‌کوهی و دامنه‌های مرتفع با مراتع طبیعی وابسته و مشرف به راه‌های مواصلاتی است. زاگرس مرکزی که همواره از دوران تاریخی مسیر عبور کاروان‌های تجاری غرب به شرق و بالعکس بوده، نقش اساسی در انتشار وجوه مختلف فرهنگی را نیز بر عهده داشته و نقش مهمی در فرآیندهای مختلف ایفا نموده است. در این بین دشت کبودرآهنگ را می‌توان کریدور دشت همدان به نواحی غرب به شرق (زاگرس مرکزی به فلات مرکزی) دانست. مطالعات صورت‌گرفته مشخص کرد، استقرارهای دشت کبودرآهنگ بیان‌گر نوعی ساختار اجتماعی و ارتباطی مبتنی بر سیستم فتودالی و روستاهای خرده‌اقماری کوچک و بزرگ به‌ویژه از دوران تاریخی (اشکانی) تا قرون متأخر اسلامی (دوره قاجار) بوده است. فراوانی استقرارهای عهد اشکانی و قاجار خود تأییدکننده این نکته است که بیشترین وابستگی‌های اقتصادی به تولیدات کشاورزی و سیستم زمین‌داری با رویکرد ارباب رعیتی بوده است که فراوانی قلاع دوره قاجار نیز از مظاهر بارز آن است. آن‌چه قابل توجه است، این‌که آغاز استقرار در اغلب محوطه‌های شناسایی‌شده در دشت کبودرآهنگ، متعلق به دوره اشکانی بوده و نشان از حضور اقوام تازه‌وارد به دشت در راستای بهره‌مندی از پتانسیل‌های محیطی و جغرافیایی آن است که تا دوره قاجار و پهلوی (تا انجام اصلاحات ارضی) نیز ادامه داشته است. با نگاهی به عوامل تأثیرگذار در توزیع مکانی و فضایی استقرارهای انسانی دشت کبودرآهنگ می‌توان به موارد پیش‌رو اشاره داشت: نخست: خاک، زمین‌های مستعد کشاورزی و آب‌وهوای مناسب و معتدل است که تنها در قسمت‌هایی از مرکز و جنوب دشت مساعد بوده که در نحوه و میزان رشد و گسترش استقرارها اثرگذار بوده است؛ دوم: راه‌های مواصلاتی است که با توجه به عبور مسیر ارتباطی دامنه‌های شرقی کوه الوند از این کریدور و امتداد آن از یک سو تا فلات مرکزی، و از سوی دیگر به زاگرس مرکزی و دره کنگاور، اهمیت راه‌ها در تبیین بهتر الگوهای استقراری و توزیع محوطه‌ها در نواحی یادشده بیشتر درک و شناخته می‌شود.

### نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی و مطالعه ۱۴۰ استقرار شناسایی‌شده از بررسی‌های باستان‌شناختی دشت کبودرآهنگ، با طرح پرسش: عوامل تأثیرگذار در دگرگونی و تغییرات فرهنگی استقرارهای دشت کبودرآهنگ از دوره مس‌وسنگ تا عصر قاجار چه بوده است؟ و با ارائه فرضیه تأثیر عوامل جغرافیایی، اقلیمی و محیطی در شکل‌یابی، توسعه یا افول و رکود استقرارها پرداخته شد.

نیک می‌دانیم، استقرارهای جوامع انسانی، همواره در طول زمان دچار دگرگونی‌های فرهنگی و تغییرات مختلف در مکان‌گزینی خود بوده‌اند. از جمله دلایل این تغییرات، دگردیسی در راهبردهای معیشتی در پس تحولات اقلیمی و جغرافیایی و تحولات سازمان‌های اجتماعی جوامع مختلف در پس پیشرفت فناوری بوده است. این تغییرات براساس نیازها و وابستگی‌های معیشتی در بستر زمین‌سیما و جغرافیای محیطی، با تغییراتی در الگوهای زیستی جوامع انسانی در تمامی ادوار زمانی در دشت کبودرآهنگ نمود داشته است.

انگاره‌ها و تحلیل الگوهای استقراری دشت کبودرآهنگ از دو منظر قابل بحث هستند؛ نخست: اقتصاد معیشتی که مسبب تغییرات فضایی در راستای بهره‌مندی و سازگاری جوامع مختلف آن با محیط بوده که گاهی وابسته به دام با رویکرد نیمه‌یکجانشینی و گاهی نیز کشاورزی و استقرار دائم در نواحی مختلف دشت را دربر داشته است. این سازش‌های محیطی در تمامی ادوار پیش‌ازتاریخ (مس‌وسنگ) تا دوران متأخر اسلامی (قاجار) در دشت کبودرآهنگ نمود داشته است. دوم: راه‌ها و ارتباطات فضایی و موقعیت سوق‌الجیشی منطقه، مرزهای سیاسی و فرهنگی و دادوستد بوده است. در ادوار مختلف تاریخی، همواره راه‌ها، تجارت و رونق اقتصادی یکی از مؤلفه‌های دوام و پایداری حکومت‌ها به‌شمار می‌رفته است. نظارت بر راه‌ها، آگاهی و جلوگیری از تحرکات احتمالی

حملات نظامی، نیاز به زیرساخت‌های مهمی هم‌چون: مراکز نظامی در طول مسیر، جاده‌های دسترسی مناسب و از همه مهم‌تر، امنیت داشته است. از این‌رو، ساخت قلعه‌ها (و در برخی موارد خرده‌محوطه‌های اقماری) همواره از سوی حاکمان و دولت‌شهرها، مهم و جدی تلقی شده است که در دشت کبودرآهنگ بیشترین نمود این مسأله را، در دوره‌های اشکانی و قاجار براساس نوع استقرارها (قلع حصین) ارائه داده است.

کوهستانی بودن نواحی شمالی، پست و دشت‌گونه بودن نواحی جنوبی منطقه مورد بررسی، شرایط محیطی و جغرافیایی متنوع و نیز ساختار متفاوت معیشتی جوامع منطقه در هر یک از مناطق شکل‌گیری استقرارها، تنوع سازمان‌های اجتماعی را در ادوار مختلف دربر داشته است؛ به طوری که نوع‌گزینش و شکل‌گیری استقرارهای دشت کبودرآهنگ هماهنگ با نوع پتانسیل‌های محیطی بوده است. در برخی موارد شاهد استقرارهای وسیع با تداوم سکونت انسانی از ادوار مس‌وسنگ تا قاجار و در برخی موارد استقرارهای تک‌دوره‌ای، فصلی و محدود از نظر زمانی و وسعت محوطه؛ گاهی اتخاذ اقتصاد معیشتی کشاورزی و استقرار دائم و گاهی استقرار موقت با اقتصاد معیشتی دام‌پروری و بهره‌مندی بیشتر از مراتع، هستیم.

وجود آب‌های سطحی مانند تالاب و رودخانه‌های فصلی و دائمی و قرارگیری بر سر مسیر راه‌های ارتباطی و مرزهای فرهنگ‌های مختلف شمال غرب، فلات مرکزی و زاگرس مرکزی باعث گردیده تا دشت کبودرآهنگ، در طی ادوار مختلف (پیش از تاریخ تا دوران اسلامی) همواره مورد توجه جوامع مختلف انسانی باشد و به‌عنوان یک کریدور فرهنگی عمل نماید. در نهایت چنین می‌توان عنوان کرد که عمده محوطه‌های این دشت را استقرارهای زیر نیم هکتار و به‌صورت محدود بالای یک تا سه هکتار به‌خود اختصاص داده‌اند که نشان از وجود روستاهای کوچک و بزرگ در تأمین هسته‌های مرکزی خود در ادوار پیش از تاریخ و حکومت‌های مرکزی در دوران تاریخی با ظهور سیستم فئودالیسم (مخصوصاً در دوره‌های اشکانی و قاجار) با رویکرد ارباب رعیتی با بهره‌مندی از جغرافیا، زیست‌بوم و قابلیت‌های محیطی منطقه بوده است.

### کتابنامه

- اذکایی، پرویز، (۱۳۶۷). «فراگوزلوهای همدان، خاندان بهاءالملک آبشینی» (قسمت سوم). مجله آینده، سال ۱۴، شماره ۹ تا ۱۲، صص: ۶۰۰-۶۱۷.
- بلمکی، بهزاد، (۱۳۹۴). «تحلیل الگوهای استقرار محوطه‌های مس‌سنگی متأخر دشت همدان براساس توزیع رتبه-اندازه و مدل آنتروپی شانون». مجله مطالعات باستان‌شناسی، سال ۷، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۱، صص: ۲۹-۴۵.
- بیک محمدی، خلیل‌الله؛ جانجان، محسن؛ و بیک محمدی، نسرين، (۱۳۹۱)، «معرفی و تحلیل نقوش سنگ‌نگاره‌های نویافته مجموعه B ارگس سفلی (ملایر - همدان)». فصلنامه پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران (نامه باستان‌شناسی)، شماره ۲، سال ۲، صص: ۱۲۱-۱۴۰.
- بیک محمدی، خلیل‌الله؛ و نظری، مصطفی، (۱۳۹۶)، «بررسی نقوش سنگ‌قبرهای دوره سلجوقی همدان». فصلنامه باستان‌شناخت، دوفصلنامه علمی-تخصصی انجمن علمی گروه باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی، شماره ۵، دوره ۴، بهار و تابستان، صص: ۹۱-۱۱۶.
- بیک محمدی، خلیل‌الله؛ و نظری‌ارشد، رضا، (۱۳۹۶). «تحلیل و نگرشی بر استقرارهای دوره مس‌وسنگ دشت کبودرآهنگ (مبتنی بر پروژه بررسی باستان‌شناختی شهرستان کبودرآهنگ)». همایش بین‌المللی باستان‌شناسان جوان، تهران: دانشگاه تهران، آبان‌ماه ۱۳۹۶.
- تاجبخش، رویا؛ و بلمکی، بهزاد، (۱۳۹۳). «تحلیل الگوهای استقرار و حوضه‌گیری محوطه‌های عصر مس‌سنگی واقع در اطراف الوند در ارتباط با تشابهات منطقه‌ای و

- فرمانطقه‌ای». مطالعات باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، دوره ۶، شماره ۱، بهار و تابستان، صص: ۱-۱۹.
- جانجان. محسن، (۱۳۹۱). «گزارش بررسی و شناسایی آثار تاریخی بخش زند و مرکزی شهرستان ملایر». آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).
- جانجان، محسن؛ بیک محمدی، خلیل‌الله؛ خاکسار، علی؛ و بیک محمدی، نسربین، (۱۳۹۲)، «سازه‌های آبی-تاریخی استان همدان: پل‌ها (برپایه بررسی موردی و مطالعات باستان‌شناختی)». در: مجموعه مقالات چهارمین همایش باستان‌شناسان جوان، تهران: آبان‌ماه، دانشگاه تهران، چاپ اول، صص: ۵۲۹-۵۴۲.
- جعفری، سید حسین، (۱۳۹۴). از ذهن هفت کاریز کبود (تاریخ و فرهنگ کبودرآهنگ). کبودرآهنگ: انتشارات جام جمشید، چاپ اول.
- چایانی، جمشید، (۱۳۹۰). کبودرآهنگ در گذر تاریخ. کبودرآهنگ: نشر جام جمشید، چاپ اول.
- رهبر، مهدی، (۱۳۹۰). «گزارش مقدماتی دومین فصل گمانه‌زنی در نهاوند به منظور شناسایی معبد لاوودیسه». آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).
- رهبر، مهدی، (۱۳۹۱ الف). «گزارش سومین فصل گمانه‌زنی در نهاوند به منظور شناسایی معبد لاوودیسه». آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).
- رهبر، مهدی، (۱۳۹۱ ب). «گزارش فصل هفتم (کاروانسرای ایلخانی) کاخ ناتمام بیستون». آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان کرمانشاه-بیستون (منتشر نشده).
- زارعی، محمدابراهیم؛ خاکسار، علی؛ مترجم، عباس؛ امینی، فرهاد؛ و دینی، اعظم، (۱۳۹۳). «بررسی و مطالعه سفال‌های دوره ایلخانی به دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی ارزانفود». مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۶، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص: ۷۳-۹۰.
- عین‌السلطنه (سالور)، قهرمان میرزا، ۱۳۲۴-۱۲۵۰، (۱۳۷۴). روزنامه خاطرات عین‌السلطنه (روزگار پادشاهی سلسله پهلوی). ج ۱ تا ۱۰، به کوشش: مسعود سالور و ایرج افشار، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، ناشر: اساطیر.
- قبادیان، عباس، (۱۳۶۹). سیمای طبیعی فلات ایران (در ارتباط با بهره‌برداری کشاورزی - احیاء و بازسازی منابع طبیعی کشور). تهران: دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- مبین، صادق، (۱۳۴۳). جغرافیای گیاهی. تهران: دانشگاه تهران.
- محمدی، مریم؛ و شعبانی، محمد، (۱۳۹۵). «معرفی و تحلیل سفال‌های دوران اسلامی محوطه زینوآباد-بهار، همدان». فصلنامه پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره ۶، شماره ۱۱، صص: ۱۳۵-۱۵۰.
- محمدی، مریم؛ و رضایی، مصطفی، (۱۳۹۶). «بررسی مجموعه آثار محوطه باستانی قلعه جوق فامنین همدان در دوران تاریخی و اسلامی». سومین همایش ملی باستان‌شناسی ایران، تهران (<https://civilica.com/doc/770603>).
- محمدی، مریم؛ و رضائی، مصطفی، (۱۳۹۹). «بررسی و تحلیل باستان‌شناختی قلاع اربابی شهرستان بهار (استان همدان)». دوفصلنامه جامعه‌شناسی تاریخی، سال ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان، صص: ۲۳۲-۲۶۵.
- مقیمی، نیلوفر، (۱۳۹۵). «مطالعه گونه‌شناختی و گاه‌نگاری مقایسه‌ای ظروف سفالین تپه گیان نهاوند: مجموعه موزه مقدم دانشگاه تهران». مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۸، شماره ۲، صص: ۱۶۷-۱۸۸.
- مهندسین مشاور گنو، (۱۳۸۱). (GUENO) آب و هوای استان همدان. مطالعات طرح جامع گردشگری استان همدان، همدان، اداره کل منابع طبیعی استان همدان.

- نظری ارشد، رضا، (۱۳۸۶). «گزارش بررسی و شناسایی باستان شناختی شهرستان کبودرآهنگ، بخش‌های مرکزی و گل تپه». دو جلد، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان (منتشر شده).
- نظری ارشد، رضا، (۱۳۸۶). «گزارش بررسی و شناسایی باستان شناختی شهرستان ملایر، بخش‌های مرکزی و جوکار». آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان (منتشر شده).
- نظری ارشد، رضا، (۱۳۹۱). «گزارش بررسی و شناسایی باستان شناختی شهرستان تویسرکان و بخش مرکزی همدان». آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان (منتشر شده).
- نظری ارشد، رضا؛ و بیک محمدی، خلیل الله، (۱۳۹۶). «گونه شناسی و تحلیل سفال‌های دوران اسلامی دشت تویسرکان مبتنی بر نتایج بررسی‌های باستان شناختی». سومین همایش ملی باستان شناسی ایران، دانشگاه بیرجند.
- هژبری، علی، (۱۳۸۹). «بازنگری تعیین عرصه و حریم محوطه تاریخی هگمتانه». آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).
- هنریکسون، رابرت. سی.، (۱۳۸۲). گودین III و گاهنگاری غرب مرکز ایران در حدود ۲۶۰۰-۱۴۰۰ پ.م. در: باستان شناسی غرب ایران. به کوشش: فرانک هول، ترجمه زهرا باستی، تهران: انتشارات سمت.
- وات، کنت، (۱۳۸۶). مبانی محیط‌زیست. ترجمه عبدالحسین وهاب زاده، چاپ نهم، مشهد: جهاد دانشگاهی مشهد.

- Evans, G., (2006). *Environmental Archaeology and Social Order*. Routledge, London and New York.
- Gopnik, H., (2011). "The Median Citadel of Godin Period II". In: *On the High Road, the History of Godin Tape, Iran*. Ontario: Royal Ontario Museum.
- Henrickson, R. C., (1984). *Simaski and central western Iran*. The archaeological evidence, zeitschrift fur assyriologia.
- Henrickson, R. C., (1986). "A regional perspective on Godin III cultural development in center western Iran". *Iran*, Vol. 22, Pp:1-57.
- Johnson, H. M., (2007). *Ideas of Landscape*. London, Blackwell Publishing.
- Levin, L. D. & Young, T. C., (1986). *A summary of the ceramic assemblage of the central western Zagros from the Middle Neolithic to the late third millennium B.C.*. colloques international aux CNRS Prehistoric de La Mesopotamie 17-18-19 Decamber 1984, Paris.
- Levine, L. D., (1975). "The excavation at Seh Gabi Proceedings of the III rd Annual Symposium on Archaeological Research in Iran". F. Bagherzadeh (ed) *Iranian Center for Archaeological Research Tehran*, Pp: 31-44.
- Levine, L. & Young, T. C., (1986). *A summary of the ceramic assemblages of the central western zagros from the middle Neolithic to the late third millenium B.C.*. Colloques internationaux CNRS, Paris.
- Young T. C. & Louis, L., (1974). *Excavations of the Godin project P second program report*. Occasional paper art and archaeology, royal Ontario museum (ROM), march 1944.
- Young, T. C., (1963). "Dalma Painted Ware". *Expedition*, Vol. 5, No. 2, Pp: 38-39.
- Young, T. C., (1967). "The migration into the Zagros". *Iran*, Vol. 5, 1 Pp: 1-34.